



نقش بازی درمانی در تقویت مهارت های یادگیری شناختی و مهارت های اجتماعی کودکان

فرشته محمدی^۱، مرضیه حاتمی مارینی^۲

۱- کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

۲- کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان

چکیده

بازی درمانی کاربرد موقعیت های بازی در یک زمینه درمانی است. بازی درمانی شرایطی را فراهم می کند تا کودکان بتوانند با استفاده از روش های سالم احساسات و هیجانات خود را کشف کنند و آنها را بروز دهند. این کار می تواند به صورت فردی و گروهی انجام شود. در بازی درمانی، مشاور به عنوان درمانگر است اما این کار توسط والدین نیز می تواند صورت گیرد که تأثیر آن کمتر خواهد بود. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش بازی درمانی در تقویت مهارت های یادگیری شناختی کودکان است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. کودکی که در جستجوی قدرت است، معمولاً در بازی نقش رهبر، رئیس، فرمانده یا حتی نقش مدیر مدرسه را بازی می کند یا یک کودک پرخاشگر ممکن است در بازی، عروسک هایش را بزند یا اسباب بازی هایش را بشکند که از طریق بازی درمانی می توان به بهبود آن کمک کرد. پرخاشگری به صورت مستقیم و غیرمستقیم در بازی کودک نمایان می شود. کودک پرخاشگر ممکن است به وسیله چاقو یا قیچی بر میز و اسباب بازی ها حمله کرده و محیط را به یک میدان جنگ تبدیل کند. در واقع کودک دنیای خود را با اسباب بازی هایی که در دسترس دارد، فرافکنی می کند. از این رو می توان گفت که بازی درمانی هم در مهارت های یادگیری کودکان و هم در کنترل مهارت های اجتماعی کودکان نقش پررنگی دارد.

واژگان کلیدی: بازی درمانی، مهارت های یادگیری، یادگیری شناختی، کودکان



مقدمه

کودکان قشر عمده ای از جمعیت جهان را تشکیل می دهند به طوری که در کشورهای در حال توسعه، سهم این قشر از کل جمعیت تقریباً به ۵۰ درصد میرسد (نریمانی، سلیمانی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۱). علی رغم حضور فراگیر بازی در تجربه ی تاریخی بشر، نقش انکار ناپذیر آن در رشد کودک و اهمیت آن به عنوان یکی از حقوق او علاوه بر حقوق بر خورداری از تفریح و فراغت (Hewes, ۲۰۰۶) امروزه شاهد آن هستیم که دگرگونی محیط فیزیکی و اجتماعی زندگی، به نحو چشم گیری از کمیت و کیفیت بازیهای کودکان کاسته است، کودکان به ندرت امکان آن را می یابند که مدتی را بدون دخالت های بیرونی به صورت خود انگیزه و آزاد بازی کنند. تراکم جمعیت در کلان شهرها با تأثیر بر زندگی طبقه متوسط و شکل دادن به دغدغه های ایشان نوع جدیدی از کودکی را آفریده است که در آن قلمرو و امکان بازی کودک بسیار محدود است. در این کودکی جدید دغدغه ی تأمین امنیت، سلامت و آینده کودک سبب می شود والدین اوقات فراغت فرزند خود را با حضور در فعالیت های آموزشی فوق العاده پر کنند و بازی، فعالیتی که از علاقه، کنجکاوی و خواست کودک سرچشمه می گیرد از پیش بینی های بسیاری از والدین حذف شود، نتیجه درک معنایی متفاوت از بازی برای کودک و فقر تجربیات ادراکی و شناختی اوست که به کندی روند یادگیری می انجامد.

دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری که به طور مداوم و مکرر شکست تحصیلی را تجربه می کنند نسبت به مشکلات رفتاری و اجتماعی - هیجانی آسیب پذیرتر هستند (گنجی، زاهدبابلان و معینی کیا، ۱۳۹۱). امروزه که با سلطه ی رسانه ها مرز بین کودکی و بزرگسالی در حال فروریختن است. ضروری است تعریف کودکی با فراهم آوردن امکان رشد کودک در فضایی تقویت شود که با عوامل محیطی کودکان بیان می شود. محیط مصنوع، شامل فضای داخلی و خارجی طراحی شده نمونه ای از محیط های مؤثر بر کودک است. معماری محیط های کودکان مهم است زیرا کودک بخشی از اطلاعات و تجربیات ضروری خود را از محیط فیزیکی پیرامونش دریافت میکند (شارپ، ۱۳۶۳).

مفهوم بازی درمانی

بازی درمانی روشی برای برآورده کردن و پاسخگویی به نیازهای بهداشت روانی کودکان است و از طرف متخصصان به عنوان یک مداخله مؤثر و مناسب در برخورد با رشد مغزی کودکان شناخته شده است. به طور کلی در کودکان ۳ تا ۱۱ سال به کار گرفته می شود و راهی برای آنها فراهم می کند تا تجارب و احساسات خود را از طریق یک روند طبیعی، خود هدایت شونده و خود درمانی بیان کنند. از آنجا که تجربیات و دانش کودک اغلب از طریق بازی ارتباط برقرار می کند، به وسیله ای مهم برای آنها شناخته می شود و خود را می شناسند. در واقع بازی درمانی نوعی مشاوره یا روان درمانی است که از بازی برای برقراری ارتباط و کمک به کودکان برای جلوگیری یا برطرف کردن چالشهای روانی استفاده می شود. تصور می شود این امر به آنها در ارتباط بهتر اجتماعی، رشد و نمو، مدولاسیون عاطفی و رفع تروما کمک کند.

بازی درمانی را می توان به دو نوع اصلی و غیرمستقیم راهنمایی تقسیم کرد. بازی درمانی غیرمستقیم روشی غیرقابل نفوذ است که در آن کودکان ترغیب می شوند از طریق بازی به دنبال راه حل هایی برای مشکلات خود باشند. در مقابل، بازی



درمانی مستقیم روشی است که شامل ساختار و راهنمایی بیشتر درمانگر است زیرا کودکان از طریق بازی با مشکلات عاطفی و رفتاری روبرو می شوند. این امر اغلب شامل یک مؤلفه رفتاری است و فرایند آن توسط درمانگر سریعتر اتفاق می افتد. اجرای بازی درمانی به احتمال زیاد به عنوان نوعی درمان شناختی رفتاری طبقه بندی می شود.

سبک‌های یادگیری

سبک‌های یادگیری به طیف وسیعی از نظریه‌های مورد اختلاف و بحث‌برانگیز اشاره دارد که به دنبال توضیح تفاوت‌ها در یادگیری افراد است. این نظریه‌ها این گزاره مشترک را دارند که می‌توان انسانها را طبق "سبک" یادگیری طبقه‌بندی کرد، اما در نحوه تعریف، طبقه‌بندی و ارزیابی سبکهای ارائه شده تفاوت دارند. یک مفهوم مشترک این است که افراد در نحوه یادگیری متفاوت هستند. مدل‌های مختلفی از یادگیری وجود دارد:

• مدل دیوید کلب

سازگار = تجربه عینی + آزمایش فعال: قوی در انجام «عملی» کاربردی (به عنوان مثال، فیزیوتراپی)
 همگرا = مفهوم سازی انتزاعی + آزمایش فعال: قوی در کاربرد «عملی» نظریه‌ها (به عنوان مثال مهندسی)
 واگر = تجربه بنی + مشاهده بازتابی: قوی در توانایی تخیل و بحث و گفتگو (به عنوان مثال، مددکاران اجتماعی)
 همگون‌ساز = مفهوم سازی انتزاعی + مشاهده بازتابی: قوی در استدلال استقرایی و خلق نظریه‌ها (به عنوان مثال، فلاسفه).

• مدل پیتر هانی و آلن مامفورد

۱. فعال ۲. بازتابنده ۳. نظریه پرداز ۴. عملگرا

اشکال یادگیری: ۱. شکل تجسمی ۲. شکل شنیداری ۳. شکل جنبشی

مهارت‌های اجتماعی

به مجموعه مهارت‌هایی که به ما اجازه می‌دهند تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم، مهارت‌های اجتماعی می‌گویند. انسان موجودی اجتماعی است و شیوه‌های مختلفی را برای انتقال افکار و احساسات خود به دیگران بوجد آورده است. مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌هایی کلامی و غیر کلامی هستند که ما برای برقراری ارتباط و تعامل با یکدیگر از آنها استفاده می‌کنیم. از این مهارت‌ها در زندگی روزمره و در تعامل‌های شخصی و جمعی استفاده می‌شود. این واقعیت که برخی از افراد "تعامل اجتماعی" بهتری نسبت به سایرین دارند، منجر به تحقیقات متعددی در مورد ماهیت و کارکرد تعامل بین فردی شده است. شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی مشتمل بر آگاهی از چگونگی تعامل با دیگران، پیام‌هایی که ارسال می‌کنیم و چگونگی تعاملی کارآمدتر و مؤثرتر می‌شود.

یک مهارت اجتماعی شامل هر نوع شایستگی می‌شود که تعامل و ارتباط با سایرین را در یک بافت اجتماعی تسهیل کند.



تکنیک های بازی درمانی، سرگرمی ها و فعالیت ها

فرزندان خود را به بیرون خانه برده، به پارک و فضاهای باز برده اجازه دهید کودکان شما با همراهی شما آزادانه بازی کنند. این فعالیت روتین، انرژی های منفی کودک شما را کاهش داده و بهانه گیری آن ها را کاهش دهید. از عروسک های مورد علاقه کودکان استفاده کنید، عروسک های مورد علاقه آن ها می تواند خشم، عصبانیت، ناراحتی و احساسات غیرقابل کنترل آن ها را به احساسات مناسب تبدیل کند. از تخلیه کودکان برای بازی با او استفاده کنید، برای مثال تصور کنید به باغ وحش رفته اید، چه حیواناتی در آنجا می بینید؟ کدام از آن ها اهلی هستند؟ کدامیک گوشت خوار هستند؟

شیوه های پیچیده گوناگونی در بازی درمانی وجود دارد، ولی همه آن ها را می توان به دو طبقه اصلی تقسیم کرد:

۱- تشخیصی، که در آن رفتار کودک در یک موقعیت بازی، الگوهایی را که حاکی از مشکلات هیجانی و اجتماعی-تعاملی ویژه است آشکار می کند. ۲- درمانی، که در آن محیط بازی شرایطی را فراهم می آورد که هیجان ها و احساس های سرکوفته امکان بیان آزادانه را پیدا می کنند. کاربرد نخست، از بسیاری جهات، نوعی آزمون فرافکن در زندگی واقعی و مورد دوم از مفهوم نظری تخلیه هیجانی (پالایش) مشتق شده است (ربر، ۱۹۹۵).

انواع و گونه های بازی و تأثیرات هر یک در روند بازی درمانی

الف) بازی های اکتشافی: این نوع بازی ها سبب ایجاد چالاکی و افزایش مهارت های حسی-حرکتی و تقویت سیستم عصبی افراد می شود، این گونه از بازی ها در درمان بیماری هایی در گونه های مختلف افسردگی و بیماری های حسی حرکتی پیشنهاد می شود.

ب) بازی های عاطفی، اجتماعی: افراد از طریق این نوع بازی ها احساسات، ناکامی ها و اضطراب های خود را بروز می دهند. بروز احساسات به روش صحیح و موثر باعث افزایش قدرت سازگاری در افراد می شود. به کمک این نوع بازی ها افراد مهارت هایی همچون عزت نفس، اعتماد به نفس، خودآگاهی، استقلال، ارتباط موثر با دیگران، همکاری و مسئولیت پذیری را می آموزند. بازی های خیالی، سینی شن، ایفای نقش، داستان سازی از جمله بازی های عاطفی، اجتماعی هستند، اینگونه از بازی ها برای افرادی که دارای ضعف های شخصیتی و کمبود اعتماد به نفس و عزت نفس می باشند، مناسب است. بسیاری از بازی های موبایلی می توانند با تکرار فرایندها و مفاهیم باعث سرعت یادگیری افراد شوند. مثلا بازی کروناکویز که برای پیشگیری از ترس کودکان از بیماری کرونا منتشر شد و احساس شجاعت و امید را در بازیکنان تقویت می کند.

ج) بازی های ذهنی (هوشی): رشد و تکامل ذهن افراد بیش از سایر جنبه ها مورد توجه محققان بوده است؛ زیرا یادگیری یک فرایند ذهنی است. افراد به کمک بازی های ذهنی از طریق دستکاری اشیاء و تماس با وسایلی که آنها را حس می کنند؛ حقایق را کشف کرده و از این راه تجربه های متفاوتی را می آموزند. بازی با مکعب ها، کارتهای حافظه، دومینوها، سازه ها، ساختنی ها، مک های مغناطیسی، دیوارک ها، پازل ها و بازی های کلامی از جمله این بازی ها به شمار می روند، این گونه از بازی ها سبب افزایش قدرت استنتاج در حل مسائل می گردد.



در بررسی که توسط زارعیپورو همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان بررسی تأثیر بازی درمانی گروهی بر میزان افسردگی کودکان مبتلا به سرطان انجام شد نتایج حاکی از آن بود که بازی درمانی گروهی بر میزان افسردگی کودکان مبتلا به سرطان تفاوت معناداری وجود نداشته است و دختران و پسران به یک میزان از تأثیر بازی درمانی سود برده اند.

شیوه بازی «گره ناسازگار»

شیوه بازی گره ناسازگار بر اساس اصول شناختی رفتاری طراحی شده است که به کودک در کسب مهارت کنترل افکار منفی کمک می کند. این روش درمانی شامل موقعیت های شبیه سازی شده ی اجتماعی نظیر محیط مدرسه، ارتباط با همسالان و معلمان است که به بهبود مشارکت اجتماعی و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آنان منجر می شود. برزگر و همکارانش در مطالعه ای باهدف توصیف نقش بازی های حرکتی، نقاشی و موسیقی در کاهش مشکلات رفتاری- تحصیلی کودکان مبتلا به اختلال یادگیری نشان دادند: بازی های حرکتی ریتمیک در بهبود عملکرد حرکتی، مهارت حل مسئله، برنامه ریزی و سازمان دهی رفتاری-هیجانی کودکان نقش موثری دارد. همچنین نقاشی می تواند در کاهش مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری این کودکان بسیار کمک کننده باشد. ویلس ای بی و همکارانش نیز با فعالیت های مبتنی بر بازی، گفت و گو با کودک و خانواده درمانی تک جلسه ای کودکان ۱۲-۴ ساله پی بردند تکنیک های مبتنی بر بازی، مشارکت کودکان جوان را ارتقا می بخشد، و منجر به ارتقای کیفیت روابط کودک و درمانگر و در نتیجه تجارب احساسی مثبت را در خانواده افزایش می دهد.

فواید بازی درمانی

- توانایی پردازش احساساتی که ممکن است کودکان نتوانند به روشهای دیگر آن را ابراز کنند: کودکان همیشه مهارت های زبانی را برای انتقال آنچه احساس می کنند ندارند، به خصوص اگر در سنین خیل پایین، حوادث آسیب زایی را تجربه کرده باشند. در عوض، ممکن است درد خود را به طرق نامطلوب یا ناسازگار ابراز کنند، مانند نشان دادن مخالفت، پرخاش، گریه های مکرر، گوشه گیری اجتماعی، وابستگی غیر معمولی و یا امتناع از حضور در مدرسه. در بازی درمانی، درمانگر روش تطبیقی تری برای بیان خود - زبان بازی - به کودکان ارائه می دهد.

- کاهش رفتارهای نامطلوب و افزایش ظرفیت تنظیم کننده رفتار: وقتی کودکان شروع به ابراز احساسات خود از طریق بازی کردند، شما شاهد کاهش رفتارهای ناخواسته آنها خواهید شد. علاوه بر این، بازی درمانی به کودک شما کمک می کند مهارت هایی را ایجاد کند که به آنها اجازه می دهد رفتارهای خود را مدیریت کنند. در جلسات بازی درمانی، به فرزند شما فرصت داده می شود محدودیت ها را در یک محیط امن آزمایش کند و به آنها اجازه می دهد تا نسبت به عواقب اعمال خود آگاهی خود را افزایش دهند. به عنوان مثال، فرزند شما ممکن است تصمیم بگیرد که خشت خام خود را خورد کند، اما پس از آن می آموزد که به محض نابود ساختن آنچه که ساخته اند، دیگر آن را نخواهد داشت. این درس به کودکان می آموزد که تصمیمات متفکرانه بگیرند.



• توسعه استقلال و تفکر خلاق

در بازی درمانی، فرزند شما رهبر است. بازی درمانی به کودک شما این امکان را می دهد تا در یک محیط حمایتی، آزاد باشد و حق انتخاب داشته باشد.. اتاق بازی درمانی فضایی بدون مرز و قانون برای کودک شما است و او آزادانه می تواند خود را بروز دهد و این امر در رشد شخصیتی و ایجاد خلاقیت در او بسیار مؤثر است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در حال حاضر ناآگاهی های والدین برخی کودکان سبب شده است که اختلالات عاطفی و رفتاری کودکان مانند ترس، خشم، دروغگویی، حسد، شب ادراری، وسواس، ناخن جویدن و ... شیوع بیشتری پیدا کند. در جلسات بازی درمانی منشأ اصلی این احساسات شناخته می شود و درمانگر به جای آن که احساسات و عواطف کودک را نادیده بگیرد یا انکار کند، آن ها را می پذیرد و به کودک اجازه می دهد با مطرح کردن آنها، آرام و سبک شود. در درمان کودکان، بازی به عنوان یک وسیله ارتباطی نیز به کار می رود. با مشاهده کودک هنگام بازی می توانیم به میزان توانایی و درک او در زمینه های گوناگون مانند ارتباط برقرار کردن با دیگران، درک او از مردم و همچنین درکی که از خود دارد، پی ببریم رفتارها، نظرات، احساسات و چگونگی ابراز وجود کودک در بازی به ما کمک می کند که به مشکلاتش و این که او دنیای اطراف خود را چگونه می بیند، پی ببریم. به عنوان مثال درمانگر برای کودکی که به علت ناتوانی در بکارگیری وسایل، قوانین بازی را رعایت نمی کند، با ایجاد فرصت هایی مناسب و تشویق به او کمک می کند تا بر اضطراب خود غلبه کند و به این ترتیب کودک از طریق بازی شیوه های گوناگون کنار آمدن را یاد می گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی می باشد. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارد و هم جنبه بنیادی؛ در بُعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها و همچنین برنامه ریزی ها استفاده می شود. این روش به ارزش گذاری درباره فواید اجتماعی، مطلوب بودن یا مؤثر بودن یک فرایند، محصول، یا برنامه می پردازد و به کاربرد یافته های خود توجه دارد. این نوع تحقیق اغلب با توصیه هایی در جهت اقدامات سازنده همراه می باشد و در پی یافتن قوانین کلی و قابل گسترش به سایر موقعیتها نیست.

یافته های پژوهش

بازی مهمترین بخش زندگی کودکان است. کودکان از طریق بازی افکارشان را بازگو می کنند و به همان راحتی که بزرگسالان احساساتشان را با کلمات بیان می کنند، آنان نیز همین کار را به وسیله بازی انجام می دهند. کودک در طول بازی توانایی حل مشکلات خود را پیدا می کند و به وسیله آن می تواند اعتماد به نفس و روحیه استقلال طلبی را در خود پرورش دهد از طریق بازی با محیط و اطرافیان خود تعامل برقرار می کند آنان احساساتی چون ترس، اندوه، شادی و عصبانیت خود را از طریق بازی بیان و به این ترتیب احساس امنیت و ارزشمند بودن می کنند.

کودک در بازی نیازهای حسی، حرکتی، درکی، شناختی و اجتماعی خود را برآورده می سازد و انرژی خود را تخلیه می کند که این کار باعث افزایش آرامش او شده و سطح توجه کودک را بالا می برد، در غیر این صورت اگر این انرژی امکان بروز پیدا نکند، احتمالاً به اضطراب، افسردگی و پرتحرکی تبدیل می شود و یادگیری دچار اختلال می شود.



در واقع بازی به اندازه تغذیه صحیح و امنیت برای رشد کودک مهم و ضروری است و عاملی است که به رشد تفکرات و خلاقیت های کودک کمک می کند. ویژگی های رفتاری کودکان در بازی هایشان کاملاً مشخص می شود. به عنوان مثال کودکی که در جستجوی قدرت است، معمولاً در بازی نقش رهبر، رئیس، فرمانده یا حتی نقش مدیر مدرسه را بازی می کند یا یک کودک پرخاشگر ممکن است در بازی، عروسک هایش را بزند یا اسباب بازی هایش را بشکند. در درمان کودکان، بازی به عنوان یک وسیله ارتباطی نیز به کار می رود. با مشاهده کودک هنگام بازی می توانیم به میزان توانایی و درک او در زمینه های گوناگون مانند ارتباط برقرار کردن با دیگران، درک او از مردم و همچنین درکی که از خود دارد، پی ببریم رفتارها، نظرات، احساسات و چگونگی ابراز وجود کودک در بازی به ما کمک می کند که به مشکلاتش و این که او دنیای اطراف خود را چگونه می بیند، پی ببریم و این امر مسیر درمان را برای درمانگر روشن می کند.

نقش بازی در رشد اجتماعی کودک

- ۱- موجب ارتباط کودک با محیط بیرون میشود و دنیای اجتماعی او را گسترش می دهد
- ۲- موجب شکوفایی استعداد های نهفته و بروز خلاقیت می شود.
- ۳- همکاری؛ همیاری و مشارکت کودک توسعه می یابد.
- ۴- بارعایت اصول و مقررات آشنا می شود.
- ۵- همانند سازی با بزرگسالان را می آموزد.
- ۶- با مفهوم سلسله مراتب آشنا شده و آن را رعایت می کند.
- ۷- رقابت را می آموزد و شکست را بطور واقعی تجربه می کند.
- ۸- قدرت ابزار وجود پیدا می کند و از ترس؛ کمرویی و خجالت بیهوده رها می شود.
- ۹- حمایت از افراد ضعیف را می آموزد.
- ۱۰- نقش بازی در رشد عاطفی کودک.
- ۱۱- نیاز به برتری جویی را ارضا می کند.
- ۱۲- موجب ابراز احساسات عواطف ترس ها و تردیدها؛ مهر و محبت؛ خشم و کینه و نگرانی ها می شود.
- ۱۳- تمایل به جنگجویی و ستیزه گری را کم می کند.
- ۱۴- ((برون نگری)) کودک را افزایش می دهد.

نقش بازی در رشد جسمی کودک

- ۱- موجب رشد یکپارچه دستگاه های حسی و هماهنگی اعضای مختلف بدن می شود.
- ۲- باعث تقویت حواس کودک می شود.
- ۳- نیرو و انرژی بدن را به بهترین شکل مصرف می کند.
- ۴- کودک به توانمندی های فکری و بدنی خود آگاهی پیدا می کند.
- ۵- در تثبیت غلبه طرفی نقش دارد (دست غالب).



۶- در شناخت راست و چپ موثر است.

نقش بازی در رشد ذهنی کودک

۱- در یادگیری زبان نقش بسزایی دارد.

۲- در رشد هوشی کودک بسیار مؤثر است.

۳- با مفاهیم ساخت؛ فضا و شکل آشنا می شود.

۴- رفتارهای هوشمندانه کودک تقویت می شود.

۵- موقعیت استفاده از قوه ی تخیل در کودک به وجود می آید.

۶- زمینه ی بهتری برای تفکر فراهم می کند.

۷- توجه و تمرکز را بالا می برد.

محیط بازی درمانی

محیط بازی باید ثابت باشد عمدتاً یک اتاق مخصوص است که از لحاظ روشنایی و دما در جای مناسبی از ساختمان قرار داشته باشد. بچه ها باید در محدوده اتاق بازی کنند و هیچیک از اسباب بازیها را نباید از اتاق خارج کنند. برای هر جلسه درمان یکسری اسباب بازی از قبل تهیه می شود و در نظر گرفته می شود که عمدتاً شامل نوزاد عروسکی، بطری شیر نوزاد، مداد رنگی، سربازان عروسکی، تفنگ عروسکی، تعدادی عروسکهای کاغذی که بیانگر اعضای خانواده باشد، خانه عروسکی، خمیرهای بازی و توپ است که در اختیار بچه ها قرار داده می شود و می گوئیم: ((هر بازی که دوست داری انجام بده)) البته قابل توجه است که انتخاب اسباب بازی براساس شرایط کودک و اهداف درمانی صورت می گیرد.

رابطه ی درمانگر با کودک

چگونگی رابطه ی میان کودک و متخصص بازی درمانی بسیار مهم است. کودک باید احساس راحتی و امنیت کند و اطمینان یابد که او را درک می کنند. این اطمینان دوطرفه سبب می شود هم کودک ساده تر بتواند افکار و احساسات خود را بروز دهد و هم درمان کارآمدتر باشد. ضروری است کودک شما بداند که شما نیز با کل فرآیند درمان موافق هستید.

بحث و نتیجه گیری

یادگیری در انسان می تواند بخشی از فرایند تحصیل، توسعه فردی، و تمرینات باشد که ممکن است هدفمند یا به وسیله انگیزش انجام شود. یادگیری از طریق مطالعه، از روند خواندن ذهن متمرکز و هوشیار و از تأمل دقیق در مورد آنچه خوانده می شود.

مهارت های ارتباطی، توانایی اختصاصی هستند که فرد به آنها نیاز دارد تا بتواند هنگامی که پیام هایی را که به گونه نمادین به شخص دیگری می رساند، با کفایت عمل کند. این مهارت ها اغلب مشتمل بر مهارت های گوش دارن، صحبت کردن، ابراز وجود، مدیریت هیجان هستند (بازرگان، ۱۳۸۳). با این حال برخی از انسان ها در برقراری ارتباط،



کارآمد عمل نمی کنند. لذا در چند دهه اخیر توجه به مهارت های ارتباطی و آموزش آنها به عنوان یکی از راهبرهای کاهش مشکلات ارتباطی و بهبود کیفیت زندگی مطرح شده است (فرجاد، ۱۳۸۰) حاصل می گردد. جمله معروف مشکلات کودکان با بزرگ شدنشان بزرگ تر می شود جمله ای کلیشه ای و اشتباه است. کودکان با هر روز بزرگ شدن بایستی توانایی های خویش در حل مسئله را بهبود ببخشند. یکی از این راهها بازی درمانی است. برخی بازیها احساسات، برخی دیگر قدرت حل مسئله، برخی دیگر عضلات کوچک و برخی دیگر عضلات بزرگتر کودکان را درگیر می کند در این درگیری انرژی کودک تخلیه شده و احتمال اضطراب، پر تحرکی، افسردگی و سرخوردگی ناشی از این انرژی مازاد کاهش می یابد. تصویر کنید کودکی که نتواند ساده ترین مسائل زندگی خود مثل نظافت اتاق را انجام ندهد، این عدم توانایی در انجام فعالیت مربوطه وقتی با تذکرات خانواده نیز همراه باشد به او استرس زیادی تزریق می کند. در واقع سلامت جسمی کودکان بیشتر در گرو تغذیه و سلامتی روحی آنها بیشتر در گرو حل مسئله، پایش و پویش در حوزه های مختلف است.

در این نوع درمان، به کودک فرصت داده می شود تا احساسات آزاردهنده و مشکلات درون خود را از طریق بازی بروز داده و آنها را به نمایش بگذارد. در کودکان بی قرار حواس پرت که کنترل کمی روی حرکات بدنی خود دارند و به راحتی هم متوقف نمی شوند، بازی کمک می کند تا تنش آنها آرام شود یا کودکانی که مورد ضرب و شتم و آزار جنسی قرار گرفته اند، می توانند از طریق بازی درمانی تا حد زیادی به آرامش و بهبود برسند. درمانگر از طریق بازی درمانی یک موقعیت بازی را به صورت کلی ایجاد می کند که کودک بتواند ترس و تنش خود را بیرون بریزد، در حقیقت در بازی درمانی کودک «خود درونی اش» را نشان می دهد. شدت احساساتی که برخی کودکان در طول بازی درمانی از خود نشان می دهند گاهی بسیار تعجب آور است، احساساتی چون تنفر، ترس، تنهایی، ناامنی، احساس شکست، بی کفایتی و احساس ناخواسته بودن از این گونه احساسات است و غالباً شروع این احساسات باعث محرومیت و انحراف شخصیت کودک می شود. در بازی درمانی پس از آن که کودک بازی با وسایل را شروع کرد، درمانگر با دقت اعمال و گفتار او را تحت نظر می گیرد و با مشاهده رفتار در ضمن بازی به نگرانی های او پی می برد و پس از تفسیر و نتیجه گیری از عملکردهای کودک، راه حل هایی مناسب برای مشکلات او ارائه می کند. در بازی درمانی پس از آن که کودک بازی با وسایل را شروع کرد، درمانگر با دقت اعمال و گفتار او را تحت نظر می گیرد و با مشاهده رفتار در ضمن بازی به نگرانی های او پی می برد و پس از تفسیر و نتیجه گیری از عملکردهای کودک، راه حل هایی مناسب برای مشکلات او ارائه می کند.



منابع

- آرتور اس ربر (۱۹۹۵). فرهنگ روان شناسی (توصیفی). ترجمه یوسف کریمی و دیگران (۱۳۹۰)، انتشارات رشد، تهران، صفحات ۶۹۳-۶۹۴.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۳). ارزشیابی آموزشی. تهران: انتشارات سمت.
- شارپ (۱۳۶۳). اولین بازی تفکر کودک است، ترجمه قاسم قاضی و نعمت کدیور، چاپ دوم، (۱۳۹۳)، تهران: نشر آموزش.
- زارعپور، افسانه؛ فلاحی خشکتاب، مسعود و کاشانی نیا، زهرا (۱۳۸۸). بررسی تاثیر داستان درمانی گروهی بر میزان افسردگی کودکان مبتلا به سرطان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۴، ۶۴-۷۲.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۰). روانشناسی و جامعه شناسی جنایی. تهران: انتشارات الهام.
- گنجی، مسعود؛ زاهدبابلان، عادل و معینی کیا، مهدی (۱۳۹۱). فراتحلیل پژوهشهای انجام یافته در خصوص نقش الگوهای تدریس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. فصلنامه ی روانشناسی مدرسه، ۱(۱)، ۹۳-۱۰۸.
- نریمانی، محمد؛ سلیمانی، اسماعیل و ابوالقاسمی و ابوالقاسمی، عباس (۱۳۹۱). مقایسه ابعاد درونی و بیرونی سبک های تفکر دانش آموزان نابینا و بینا. فصلنامه روانشناسی مدرسه، ۱(۱)، ۱۰۸-۱۱۸.
- Hewes, Par Jane. (2006) Let the Children Play: Nature's Answer to Early Learning. Montréal: Early Childhood Learning Knowledge Centre (Université de Montreal).